■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۹۸ | ۲۶ محرم ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۸۸ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Thursday - 2019 September 26

حدیث روز: الکافی
امام سجاد(ع): آزار نرساندن از کمال خرد است و در دنیا و آخرت، مایه راحتی تن.

پلک احساس: مولانا
زین دو هزاران من و ما ای عجبا من چه منم
گوش بنه عربده را دست منه بر دهنم

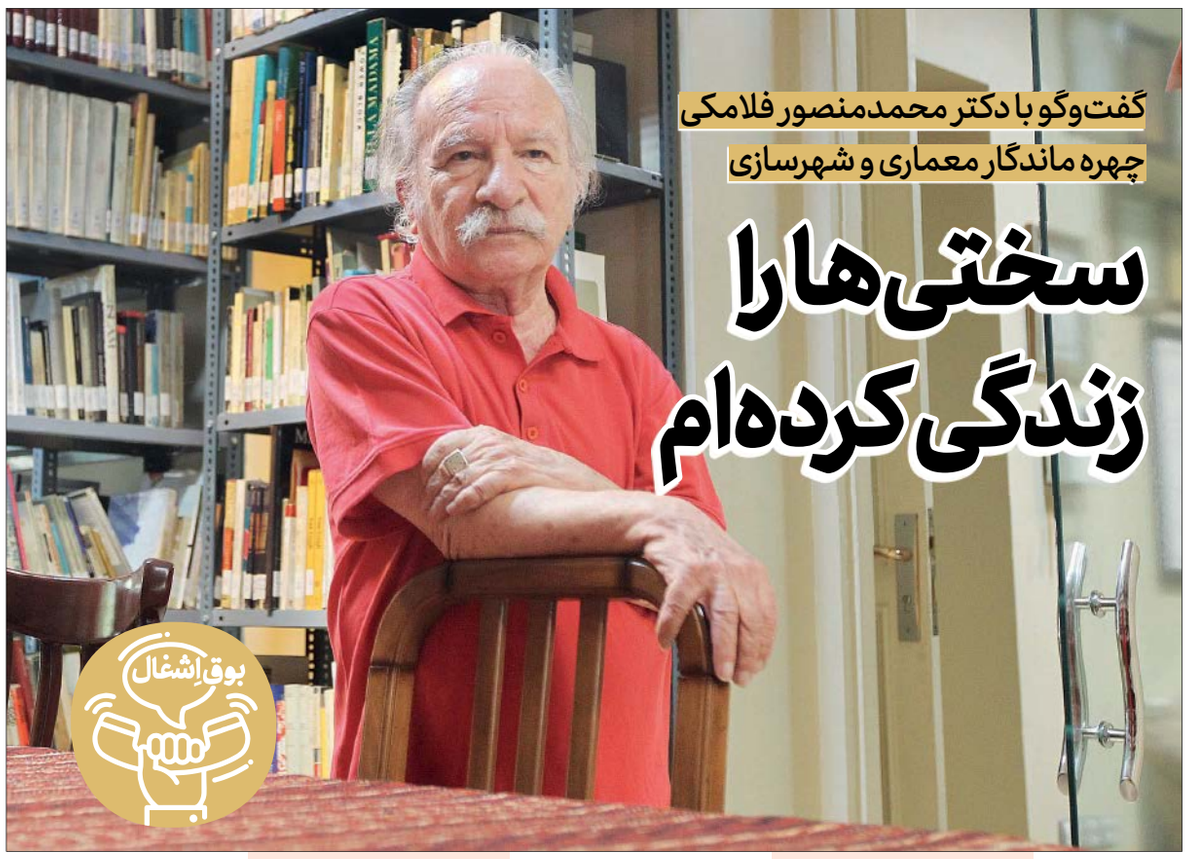
امروز در تاریخ:
- اشغال بستان توسط اشغالگران بعثی در روزهای آغازین جنگ (۱۳۵۹ ش)
- درگذشت استاد رضا مافی، خطاط صاحب سبک و نقاش معاصر (۱۳۶۱ ش)
- درگذشت هما روستا، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون (۱۳۹۴ ش)
- درگذشت پل نیومن، بازیگر و کارگردان آمریکایی، برنده جایزه اسکار (۲۰۰۸ م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۱/۵۶ | غروب آفتاب: ۱۷/۵۶
اذان مغرب: ۱۸/۱۴ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۴
اذان صبح (فردا): ۴/۳۲ | طلوع خورشید (فردا): ۵/۵۶

پیش‌بینی آب و هوا جمعه

تهران	ایلام	بوشهر	تبریز	رشت	زنجان	سنندج	مشهد
۲۳ / ۳۶	۱۳ / ۳۲	۲۷ / ۳۵	۱۳ / ۳۰	۱۸ / ۲۵	۷ / ۳۰	۹ / ۳۴	۱۸ / ۳۶

حکمت ۹: نهج‌البلاغه
چون دنیا به کسی روی آورد، نیکی‌های دیگران را به او عاریت دهد و چون از او روی برگرداند خوبی‌های او را نیز برباید.





علی مظاهری
روزنامه‌نگار

بای بسم‌ا...
«گاهی با دانشجویانم شوخی می‌کنم. می‌گم مثل هر آدم هشتاد و شش ساله‌ای به دلیل گناهانم خدا منو روونه جهنم می‌کنه.
خدا که بخشنده‌تر از این حرف‌هاست؟
به هر حال هر آدمی که تند یا کند راه بره گناه کرده؛ اگه تُند راه بره یعنی نگاه نکرده به چیزهایی که باید بنگره و اگه آهسته راه بره یعنی زیادی داره تامل می‌کنه روی چیزایی که ممکنه قدر نداشته باشه. ازین گناهان فراوون کردم. برگردیم به روایت جهنمی شدن؟
به خدا می‌گم نمیشه من رو جهنمی کنی، زیرا من این کتاب رو نوشتم «فارابی و سِیر شهروندی در ایران»»
کتابی که استاد همیشه به اون افتخار می‌کنه و اونو بهترین هدیه‌ای می‌دونه که می‌تونین به انسانی بدین که بلده بیندیشه که نیاز داره بیندیشه، اما دکتر در عین حال آرزو داره کسانی از این بهترش رو بنویسن دکتر درباره شهر و معانی و شاخصه‌هاش هیچ کتابی رو به خوبی [همسنگ] مدینه فاضله فارابی عزیز نمی‌دونند.
چرا فارابی عزیز؟
چون می‌شناسمش.
برداشت این «چهره ماندگار» معماری و شهرسازی از شعر حافظ اینه که فضای به ظاهر نامنظمیه که روحیه آدما به همه چیز شکل و رنگ میده.
حافظ؛ درها رو هیچ وقت بسته نمی‌بینه. این درها ورودی به مکانای دیگه‌ای است که در هر کدوم یه شعله زیبای متمایز روشنه.

فردوسی؛ آن مناعت طبعش در حد مطلقا والا و بی‌نظیره بینش عجیبی داره. جهان‌بینیش از قرن‌ها پیش از اسلامه. جامعیت فکریش از مرز چین می‌ره تا اروپا.
نظامی؛ میگه به خس و خاشاکی پرداختم که فردوسی بهش نگاه نکرده، ولی این یه خضوع و فروتنی نابه...
سعدی و مولوی بلخی؟
اجازه بدین به ذهن کند خودم فشار نیارم. مگه میشه از مولوی به راحتی گذشت. اینا هرکدوم دنیایی متمایز دارن که در دنیای خودشون نیز همه چیز یه رنگ نیست.
روزی استاد به سخن خودش «مجبور شد» تعریفی برای فرهنگ متکی بر ادبیات ایران بیابد: هیچ‌کسی به اندازه مولوی به من کمک نکرد.
و اما مردِ خداشمس که با نقدهای گزنده و بی‌پرواش ارکانِ سرانِ تصوف رو راه به راه درهم می‌کوبید؟
در گذرای کهن تاشکند در سراشیبی خیابانی که آثاری از دوران تیموری داشت، حیرت‌زده تماشا می‌کردم دو نفر داشتن روی یکی از بام‌ها کارای مرمتی انجام می‌دادن. دریافتن از دیاری دیگرم. گفتند از کجا میایی؟ گفتم. گفتن وقتی برگشتی سلام ما رو به حضرت شمس برسون.
شوریده و شگفتار شدین! حق دارین! حالا با این نگره استاد فلامکی به گستره روح‌تون وسعت بدین: شما می‌بینین این گستره شرق و غرب در یه محفل یگانه، در یه اظهارنظر و لطفِ یگانه، بُعدِ جهانی به خودش می‌گیره؛ به زبانی داریم که همه ما رو یگانه می‌کنه.
این مرزها حقیقت نداره و تحمیل شده؛ من نه، اما شما خواهین دید که این خط‌ها برداشته میشه.

سازنده این روزهای شما؟
خدا می‌دونه این رو.
محرم؟
یك مقوله زنده‌ایه برای ما.
و اما بشروطِ‌ها؟
شرطش این است که زنده بودنِ ارزش‌های محرم، تمام نشه تقلید از گذشته و راضی شدن به نقل قول‌ها یا نیندیشیدن.
چی باعث کمال انسان میشه؟
(با شرح خاطره‌ای بایسته، پاسخ جنابعالی فقط یك‌کلمه است:) شعور.
موفقیت؟
من بلد نیستم تعریفش کنم.
به کجا رسیدین؟
به جایی رسیدم که دوست داشتم.
مثل شعر «از همت بلند به جایی رسیدن»؟
این حرف را جرأت نمی‌کنم بگم.
«فضا»یی که دارین؟
این جای بسیار کوچکیه، ولی من دوستش دارم.
زیباترین حالتِ «فضا»ی شما؟
وقتی که دوستان اینجا می‌آیند.
یك لحظه ازش غافل نیستین؟
از نوشتن کتاب‌هایی که به نظر من ضروری‌اند.
خستگیش؟
برای من لذت‌بخشه.
یك خبرخوش کتابی؟
هجدهمین کتاب تالیفیم یك ماه دیگر حدودا منتشر می‌شود.
کار و زندگی شما؟
می‌زیم برای این که نکته‌ای را که از ذهن من گذشته مستند کنم توضیح بدهم تا به فضای ذهنی دیگران راه پیدا کنه.
بهترین‌های زندگی (که به زندگی معنا میده و قشنگش می‌کنه)؟
هرجایی که مورد پرسش قرار داشتم و توانسته‌ام نکاتی بگم که برای پرسنده تازگی داشته و ناب بوده.
پس شما را به «درخت بخشنده» تشبیه کنیم؟
(بی تعارف میگم) نه خیر.
فضای خانه زندگی شما؟
ما مراحل جدی را پشت سر گذاشتیم دوستی‌هامون ابعاد دیگری گرفتند، داریم دوستی‌هامون رو ادامه می‌دیم و...
حرف‌زدن با همسرتون؟
به فارسی و ایتالیایی.
مشغولیت‌شون؟
هنرجوی موسیقی داره از ۵۳ سال پیش که آمدیم ایران.
ویژگی مشخص ایتالیایی‌ها؟
آن جا هرکس به درستی زندگی کنه نمی‌تونه با موسیقی نیامیزه. بی‌هنر زندگی نمی‌کنن.
اینجا احساس تنهایی یا غربت ندارند؟
مدام رفت و آمد بوده با افرادی که هنر را دنبال می‌کنند؛ موسیقی را به کمال می‌شناسه.
خودتون بچه کدوم محله هستین؟
بچه محله عودلاجان‌ام (محله قدیمی تهران) توی مروی بزرگ شدم ما ۷۲ ساله اومدیم اینجا (شرق میدان هفت‌تیر، عمارت فضا).
از هنرمندانِ دوست؟
محمدرضا اصلانی. شاهین فرهت.
تجربه شرایط نامناسب مالی؟
معلومه. همیشه.
یك خبرخوش کتابی؟
اقدام برای گرفتن حق و حقوق‌تون؟
تدبیرکردن بله، اقدامات مکانیکی نه!
(اگر صخره و سنگ نباشه صدای رودخانه به گوش نمی‌رسه) از سختی‌های زندگی؟
سختی‌ها شناخته شده بودند برای من نو نبودند آن رفتارهایی که سخت بود و نامردی‌هایی که دیدم.
چرا سختی‌ها آشنا بودن؟
چون می‌دونستم توی چه محیطی زندگی می‌کنم.
تحمل کردین یا مدارا؟
نه! من سختی‌ها را زندگی کرده‌ام.
چه جور آدم‌هایی هرچی اوج بگیری توی چشم‌شون کوچك‌تر میشی؟
اگر نباشند نمی‌تونیم زندگی‌مون رو تعریف کنیم. اینها فضایی دارند که توش نظریه‌ها به سنجش مطلوب بُرده نمی‌شن نظریه‌ها با پیش‌داوری و کوته‌بینی همراهند.
از حسادت‌ها؟
من هیچ حسادتی را نمی‌شناسم.
آزار حسودها منظوره؟
اینها نه حسودند نه رقیب! آدم‌های بی‌حاصل و تنبلی‌اند که وقتی باید کاری کنند تا پیشرفت کنند، ولی نمی‌کنند تلافیش رو سرِ کسانی در میارند که بلدند زندگی‌شان را برای یك هدف انسانی هزینه کنند.
کسانی که برای دیگران زندگی می‌سازند کسانی که گرفتاری می‌سازند؟
خدا اولی‌ها را بیامرزه و طول عمر بده و دومی‌ها را بیدار کنه.
از آرمان‌هاتان برای دانشجوها؛ مایلین اون‌جوری بیندیشند؟
به تعمق وابسته کردنِ فکر و قبول نکردنِ تمام چیزهایی که گذراست و آدم را گمراه می‌کنه.
چیزهای سطحی زندگی روزمره؟
آزاری ندارند، اما باید به آنها مسلط شد.
از توفیقات؛ بی‌کوشش بهش رسیدین؟
من برای این که خدمت شما بنشینم تلاشی نکردم.
پشیمونی از چیزی؟
مطلقا خیر.
چه جوریا استاد؟
یعنی هر خطایی را زندگی کردیم و به ما یاد داده تکرارش نکنیم.
با کیا وجه مشترك دارین؟
با گربه‌ها! گربه‌ها را [بیش از هرچیزی] دوست دارم.
شوخی؟
نه اصلا این کارو بکنین من سر شوق میام.
شده پا روی دم کسی بذارین؟
هروقت لازم باشه با کمال میل! پا روی دم کسی می‌ذارم.
کی و کجا؟
معمولا توی فضای علمی دانشگاه، نه بیرون.
چه‌وقت دست رو دست می‌ذارین؟
وقتی کسی سخنی میگه که نمیدونه معناش رو هر چند ادعا میکنه بلده!
رو خَرِ مُراد می‌تازه ولی تازه معتبرشده:
از اوناست که نه شما باهاش مصاحبه می‌کنین نه من باهاشون گپ می‌زنم.
یك باید برای تفریح‌های ملت؟
نباید مُدِلش را از آمریکایی‌ها بگیره.
آیا موافقین دوره‌ایه که بنی‌آدم ابزار یکدیگرند؟
شدند دیگه (نبودند اما).
چه جوری زمان از دست‌تون نره؟
زمان از دست من فرار نمی‌کنه. تجربه کردم.
دوستی کنارِ هم بودنه یا یادِ هم بودن؟
دوستی بغل کردن یکدیگره.
می‌گن مثل ساحل آرام باش تا مثل دریا بی‌قرارت باشن... شما کدام هستین؟
من نمی‌دونم اینو از دانشجویانم بپرسین من سر کلاس ظاهر بسیار آرامی دارم.
بحث‌ها و پرسش‌پاسخ با دانشجوهاتون؟
زندگی آدم‌اند دیگه.
چند سوال ریز می‌پرسم:
شما امر کنید.
اهل شعرخوانی و محافل ادبی هستین؟
من این لیاقت رو ندارم، نه.
سینما چی؟
مثل آدم‌های متعارف و بسیار معمولی. فرصت هم نمی‌کنم به‌ویژه این ۲۰ سال اخیر.
تلویزیون چطور؟
خیلی کم.
موسیقی؟
اگر بگذارند فرصت کنم که با خودم خلوت کنم میرم سراغ سمفونی‌هایی که دوست دارم.
اولین انتخابِ دم‌دست؟
سمفونی شماره ۲ سیبلیوس یا سمفونی شماره ۶ چایکوفسکی.

زمان‌های زمین

هوای تازه

نخست: پرواز

... پروازگری، خود، حرکت است. پرواز را به قید و شرطِ شناختِ مبدأ می‌توانی تجربه کنی. پرواز، زاینده حرکت است. پرواز برخاسته از نیاز به شناخت است و این نهفته در ذات آدمیزادگان. پروازگران آورندگان خبرند. هیچ پروازی را تکرار نباشد که پرواز، سفر نیست. تنها به افق خود متکی نیستند. پروازگری ذاتی آزادگان است و آزادگی، فرای نیازهای روزمره زید...

دوم: گُل

گل بر شنتِ درخت نشیند. گل را چشمِ هشیار بیند و نه دیدگانی نیازمند. گل را روی خندان باشد به سمت‌ها و لحظه‌ها. گل را نه بوسیدن و نه بوییدن و نه نوازش باید. گل این هرسه را هدیه کند. گُل به لحظه‌ها زید...

سوم: فرزانه

پروازگری در عالم معنی، حرکت مداوم از دانسته‌های روز است به سویی والا. فرزانه، توفیق خود را درون توفیق یافتگی دیگران دارد فرزانه را همت، بلند است. فرزانه، بهینه را برای همگان خواهد فرزانه دریادل است فرزانه را اندیشه فراخ است و بینش پاك. فرزانه را دل، آسمان‌گونه است فرزانه گُل را با دیگران زید. فرزانه، مرزرا با دیگران زید.

بُرشی از دیباچه کتاب زمان‌های زمین



دکتر محمدمنصور فَلامَکی

ابزار یکدیگرند؟
شدند دیگه (نبودند اما).
چه جوری زمان از دست‌تون نره؟
زمان از دست من فرار نمی‌کنه. تجربه کردم.
دوستی کنارِ هم بودنه یا یادِ هم بودن؟
دوستی بغل کردن یکدیگره.
می‌گن مثل ساحل آرام باش تا مثل دریا بی‌قرارت باشن... شما کدام هستین؟
من نمی‌دونم اینو از دانشجویانم بپرسین من سر کلاس ظاهر بسیار آرامی دارم.
بحث‌ها و پرسش‌پاسخ با دانشجوهاتون؟
زندگی آدم‌اند دیگه.
چند سوال ریز می‌پرسم:
شما امر کنید.
اهل شعرخوانی و محافل ادبی هستین؟
من این لیاقت رو ندارم، نه.
سینما چی؟
مثل آدم‌های متعارف و بسیار معمولی. فرصت هم نمی‌کنم به‌ویژه این ۲۰ سال اخیر.
تلویزیون چطور؟
خیلی کم.
موسیقی؟
اگر بگذارند فرصت کنم که با خودم خلوت کنم میرم سراغ سمفونی‌هایی که دوست دارم.
اولین انتخابِ دم‌دست؟
سمفونی شماره ۲ سیبلیوس یا سمفونی شماره ۶ چایکوفسکی.
گرانی گرانی رو حس کردین؟
معلومه. خیلی هم بدجوری.
خوشحال کنار هم زندگی کردن؟
ابعاد انسانی زندگی را در یك فضای علمی، فرهنگی، هنری به خاطر میاره به اضافه روابطی که هست.
شده اعتقادات شما در مقطعی متحول بشه؟
زیاد! گذار از یك سال تحصیلی به سال بعد. گذار از سه تا جلسه بحث به‌ویژه در دوره دکترا.
اگر دانشجوهاتون توی خودشون تحول پیدا نکنند؟
مرا هم خسته می‌کنند.
چرایی بحث‌کردن با بچه‌های دانشجو؟
برای این که ذهن این عزیزان بیاد توی ذهن من و اثرگذاری کنه و مرا بیدار کنه.
بهترین هدیه‌ای است که می‌تونین به انسانی بدین که بلده و نیاز داره بیندیشه؟
همان کتاب فارابی و سیر شهروندی در ایران.
نکته‌ای از پژوهش شما در تخت جمشید؟
معین شد کارگر صفر (بی‌حقوق و مزایا) نداشتیم.
شهر تهران؟
یك دنیاست که خیلی دوست دارم.
ویژگی ویژه‌ش؟
شهر تهران بیداره. مدت‌هاست در محله‌های خودش بیداره.
چی ایران را ایران می‌کند؟
این جا یك تاریخِ همیشه زندگی شده را داریم.
کدام دوره تاریخی اگه میشد دوست داشتین زندگی می‌کردین؟
دوره رشیدالدین فضل‌ا... همدانی.
ویژگیش؟
پهنه کشور را می‌شناخت، عاشق حق بود.
برخلاف صفویه که پایتخت کشور را زیرورو کرد و...؟
او همه روستاها را آبادکرد و مجهز به حمام. آب مایه حیات را به همه شهر و روستاها روانه کرد.
علاوه بر اینها؟
اندیشور است.
(معماری نور است و فضا) تعریف شما از نور؟
کار سختی‌یه. ارجاع میدم به کتاب‌هام.
فضاش؟
معماری درگیر همه چیز است نمی‌کنه، مدیرانی که انسان را راه می‌برند این کار را می‌کنند.
چنین‌کنند مدیران! تا...؟
به کم راضی بشوند و به آنچه که زیباست آن جور که باید نگاه نکنند.
در کاویدن شخصیت آدم‌ها باید؟
خودمون دارای جهان‌بینی قوی باشیم که بتوانیم کاسه جهان‌بینانه بگذاریم و از نو تماشایش کنیم.
این کار را اگر نکنیم؟
پیشداوری می‌کنیم یا یك نکته را می‌بینیم و روی همون سوار می‌شیم و قضاوت می‌کنیم.
خاك؟
خاك را بی‌آب نمی‌شه فهم کرد، به ذهن نمیاد.
آب؟
وجودِ خودمونه دیگه.
و آتش و باد؟
اینا فقط خویشاوند نیستند در عالم معنا مکمل یکدیگرند.
آتش اشوزرتشت؟
هنوز در ذهن آدم‌ها روشنه.
از اتفاقات شیرینی که امیدوارین...؟
خیلی مشکله پاسخش.
راز و نیاز؟
کی جرأت داره چیزی بگه پیش شما.
چیزی که مورد نیاز هر انسان بیداریه؟
گستردنِ هرچه بیشترِ اندیشه‌های پاك و ناب بینِ آدم‌ها.
اقلیم و فرهنگ ساخته شده گوشه کنار کشور؟
اینها غریبه شدنِ ما معمارها با خودمونه.
مهم‌ترین مولفه برای تحرك اجتماعی؟
متعالی زیستن، فعالیت و کار برای به دست آوردن آن‌چه ایده‌آل است که بهینه است و انسانی و الهی و مدنی و روزمره.
در این راستا بسیار زیباست؟
به کم راضی نشدنِ آدم‌ها.
این بیشتر خواستن؟
به قید «شرافت» و اخلاقیات متکی به یك فضای مدنی دوست‌داشتنی که طاهر و پاك است از یك سو و از دیگرسو آسمانی.
آنها که می‌دانند در چه فضایی می‌زیند اگر اهل کاوش و نوشتن و انتقال اندیشه باشند؟
می‌شوند کسانی مانند جناب مظاهری که طی مصاحبه‌هایش با دیگران نوشته‌هایش را پخش می‌کند.
اگر نتواند حرف‌هایی را که در دل دارد و آنها را در اجتماع پرورش می‌دهد نشر کند؟
یا ترك شغل می‌کند یا ترك زندگی.
آدم معمول؟
کسی است که قدر خود و خدایش را همزمان می‌داند.
تارك زندگی؟
کسی که فکر خودش را تقویت نکرده و نه به دیگران ثمر داده باشد نه از اندیشه‌های پاك دیگران برخوردار باشد.
چشم‌انداز آینده؟
باید با تاسف بگم که به دست جناب‌عالی و بنده هدایت نمی‌شود.
از علل عقب‌ماندگی؟
انسان معمولا پس‌رفت چیزی را حذف نمی‌کنه.
از جاذبه‌های معماری؟
مشکله. این که چه اندازه به عشق و علاقه آدم‌ها توجه داره.
آفرینش معماری؟
خیلی مرموزه.
شهرهایی جدید که بی‌ملاحظه
چه خوب، فرهیختگی به این میگن. درود بر شما:
من هم از دیگران یاد گرفتم و توش زندگی کردم.
دلتون می‌خواست از اینجا چی می‌بردین به بهشت؟
برای فارسی‌زبان‌ها؟! همان کتاب فارابی و سیر شهروندی در ایران.
فرشته‌ها در پیشگاه خدا که شما را بسنجند پاسخ‌هاتان قانع‌کننده خواهد بود؟
فرشته‌هایی که شما میگین بی‌استثنا از من راضی‌اند.

۱۰ سوال داغ

۰۱ شهر تهران؟ یك دنیاست که خیلی دوست دارم.
۰۲ جای غیر دوست داشتنی در تهران؟ ندارد.
۰۳ چی ایران را ایران می‌کند؟ این جا یك تاریخِ همیشه زندگی شده را داریم.
۰۴ آتش اشوزرتشت؟ هنوز در ذهن آدم‌ها روشنه.
۰۵ از اتفاقات شیرینی که امیدوارین...؟ خیلی مشکله پاسخش.
۰۶ راز و نیاز؟ کی جرأت داره چیزی بگه پیش شما.
۰۷ موفقیت؟ من بلد نیستم تعریفش کنم.
۰۸ به کجا رسیدین؟ به جایی رسیدم که دوست داشتم.
۰۹ تجربه شرایط نامناسب مالی؟ معلومه. همیشه.
۱۰ از جاذبه‌های معماری؟ این که چه اندازه به عشق و علاقه آدم‌ها توجه داره.